یادداشت

آموزه‌های رفتاری اربعین



دکتر مجید ابهری
عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

رخدادهای دینی در کنار فرآیندهای معنوی و الهی همواره باید دستاوردهای تربیتی و اخلاقی داشته باشند؛ به علت این وجوه زمینی و آسمانی است که روزها و ایام محترم و مقدس نزد مسلمین به‌ویژه شیعیان جایگاه متبرک و خاصی دارد.

از همین روی عبادات و وظایف خاصی برای این‌گونه روزها و شب‌ها از سوی ائمه اطهار و روحانیون عالیقدر نقل شده و به ما رسیده‌است. نمازها و ادعیه خاص؛ ذکرها و اوراد موجود هستند که توسط بزرگان به تصدیق رسیده اند.

در یکی دو سفری که توفیق حضور در ارض مقدس عراق و تربت مطهر کربلا نصیبم شد، علاوه بر فراگیری شیوه‌های عزاداری مختلف و نوحه‌سرایی‌ها گوناگون، عرضه تعزیه با زبان و فرهنگ خاص خود آن ملت، جذابیت‌هایی ویژه داشته و باب آشنایی با فرهنگ‌های مختلف شیعی بازخود مناسبی در این مقوله خواهد بود.

شیعیان عزادار از تاجیکستان و آذربایجان (باکو) از اقوام مختلف کرد قزاقستان و شیعیان مختلف ساکن در عراق، افغانستان، پاکستان و کشورهای عرب‌زبان همسایه مثل بحرین، کویت و ده‌ها کشور دیگر هر یک با آلات و ادوات عزاداری از سرنا گرفته تا سنج و دمام، هریک براساس آداب و سنن دیرینه خود به برگزاری تعزیه و عزاداری مشغول می‌شوند. تماشای این همه عزادار با فرهنگ و زبان و نوحه‌سرایی مختلف، انسان را به اوج معرفت عاشورایی و سوگواری حسینی می‌رسانند. آنچه در این میان و در بین اقوام و دسته‌های مسلمان و شیعه نظرها را به سمت وسوی خود جلب می‌کنند، حضور مردم و عزاداران غیر مسلمان از بین مردم مسیحی و آشوری و یهودی است. در حالی که رهبران دینی آنها در صفوف مقدم با لباس‌ها و علائم مخصوص خود حرکت کرده و به دنبال آنها پیروان عزادار بر سر و سینه زنان و با زبان و فرهنگ خود نوحه‌گویان در صفوف منظم جلب توجه می‌کنند.

دراویش با گیسوان و محاسن بلند خود با پاهای برهنه به‌دنبال رهبران خود ناله‌کنان به سوی حرم حرکت می‌کنند. در میان بیش از هفت یا هشت میلیون جمعییت از پیر و جوان خرد و کلان زن و مرد نمی‌توان برای نمونه حتی یک نفر تشنه یا گرسنه پیدا کرد. غیر از مردم خود عراق که از طلوع خورشید تا غروب آن و تا نیمه‌های شب مشغول طبخ غذا بوده با زور و خواهش دست زائران را گرفته و به موکب خود می‌کشانند. جالب‌ترین نکته انسانی چسبیدن اطفال به پاهای زائران و التماس به آنها برای ورود به موکب آنهاست. برخی که قدرت مالی چندانی ندارند، مشک آبی به دوش انداخته و با التماس از عابران درخواست می‌کنند جام آبی به یاد لبان تشنه حسین(ع) بنوشند.

آشنایی با آداب و رسوم شیعیان سایر ممالک و کیفیت عزاداری آنها، یکی از اصلی‌ترین دستاوردهای روزهای مقدس اربعیین است.

ملاحظه شیوه‌های عزاداری مردم مختلف از جوامع متعدد دومین رهاورد فراخون عام اربعیین است. مبادله دانش‌های مختلف و مرتبط با سوگواری اربعیین است. اتصال به دریای خروشان مردم سوگوار و همراه شدن با آنها، برقراری روابط دوستی و مودت با شیعیان سایر کشورها به منظور استمرار و تداوم دوستی‌های هدفمند بر اساس ارزش‌های دینی و معنوی.

شرکت در این سفر معنوی علاوه بر تحکیم ارزش‌های دینی، بنیان یک موج فکری در جامعه ایجاد خواهدکرد.

قیام کربلا در آیینه شناخت از سید و سالار شهیدان

چگونگی و چرایی نهضت امام حسین(ع)

امیر علوی
خبرنگار چاردیواری

عاشورا و نهضت امام حسین(ع) در کربلا موضوعی است که تاکنون کتب متعددی درباره آن به رشته تحریر درآمده و از زوایای گوناگونی مورد تحلیل و بررسی قرارگرفته است. با تمام اینها اما این واقعه آنچنان بزرگ و باعظمت است که همچنان می‌توان پیرامون آن تحقیق و بررسی کرد و درباره امام حسین و نهضت قیام عاشورا نوشت. کتاب «چگونگی و چرایی نهضت امام حسین(ع)» نوشته سید علی گرامیان، به موضوعاتی مانند مقام و شخصیت امام حسین(ع)، روز خونین عاشورا، آغاز قیام امام حسین (ع)، صفات و خلقیات مردم کوفه، مرگ معاویه، به حکومت رسیدن یزید و ... می‌پردازد.



خلاصه کتاب

معرفی مقام و شخصیت امام حسین (ع): حضرت اباعبدا..الحسین در روز پنجشنبه سوم شعبان‌المعظم سال چهارم هجرت در مدینه منوره متولد شدند. مادرشان فاطمه زهرا سیدة النساء العالمین، پدرشان حضرت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین، جدشان حضرت محمد رسول خدا وخاتم النبیین، جده‌شان حضرت خدیجه کبری، برادرشان حضرت امام حسن مجتبی(ع)، فرزندان‌شان ۹ تن یکی بعد از دیگری پیشوایان مسلمانان، انتخاب شده از ناحیه خداوند سبحان، آخرین‌شان حضرت بقیه‌ا... صاحب الامر امام زمان (عج) که خداوند به وسیله ظهور ایشان جهان را پر از عدل خواهد فرمود. هیچ‌کس در عالم از چنین نسب شریف و عزیزی برخوردار نیست، همان‌گونه که در مقام شهادت هیچ‌کس از چنان مقام و جایگاهی که حضرت حسین (ع) دارد، برخوردار نیست.

کتاب چگونگی و چرایی نهضت امام حسین (ع) مناسب چه کسانی است؟

این کتاب برای افرادی که می خواهند هدف اصلی قیام امام حسین (ع) را بدانند، مناسب است. همان‌طور که می‌دانید امام برای به دست آوردن حکومت قیام نکرد، همچنین شهادت هم برای او مقصود نبود. پس غرض امام از قیام چه می‌تواند باشد؟ این کتاب در پی آن است که به این چرایی پاسخ دهد.

در بخشی از کتاب چگونگی و چرایی نهضت امام حسین (ع) می‌خوانیم:

خطبه‌های حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) و دیگر گفته‌های اهل بیت، بذر آگاهی در میان مردم پاشید تا آنجا که بسیاری یزید را لعنت می‌کردند و از او و کارهایش تبری می‌جستند. یزید تصمیم گرفت اسرا را آبرومندانه به مدینه برگرداند. یزید دستور داد محمل‌های زرنگار آماده کنند، زینب فرمود ما عزادار و مصیبت زده‌ایم، محمل‌های ما را سیاهپوش کنید، کاروان اهل بیت به سمت مدینه حرکت کرد، سر دو راهی مدینه و کربلا راه کربلا را انتخاب کردند. زمانی به کربلا رسیدند که جابر بن عبدا... انصاری همراه رفیقش عطیه عوفی، در حال زیارت قبر ابی عبدا... بودند و این به روز اربعین امام حسین(ع) بود.

عطیه می‌گوید وقتی به کربلا رسیدیم، جابر با آب فرات غسل کرد و ردایی به دوش انداخت که به شکل افراد محرم درآمد و با قدم‌های کوچک به سمت قبر مطهر ابی عبدا... حرکت کرد. در راه همواره زبانش به ذکر خدا مشغول بود، وقتی به قبر ابی عبدا... رسید خود را به روی قبر انداخت و بی‌هوش شد، چون به‌هوش آمد سه مرتبه از پرده دل فریاد کشید «حَبِیبِی یا حُسَینُ» اما جوابی نشنید، گفت «حَبِیبٌ لَایجِیبُ حَبِیبَهُ» آنگاه گفت، چه توقع جواب داری از کسی که تنش زیر خاک و سرش را چهل منزل بر نیزه کردند و دیار به دیار گرداندند. ناگاه صدای زنگ کاروان بلند شد فرمود، عطیه ببین چه خبر است؟ عطیه رفت و برگشت، گفت آقا کاروان حسینی وارد شدند. (اکنون که این مطالب را می‌نویسم، نیمه شب اربعین است، از روز عاشورا شروع کرده‌ام و اکنون که سپیده دم اربعین است به بیان اربعین شهیدان کربلا رسیده‌ام.)

بردگی روح نسبت به انسان‌های دیگر

بدون شک ما در زندگی خودمان احتیاج داریم به خوراک و هرچه بهتر، بهتر. احتیاج داریم به پوشاک و هرچه عالی‌تر، بهتر. احتیاج داریم به مسکن و هرچه مجلل‌تر، بهتر. ... اما در یک جا ما سر یک دوراهی قرار می‌گیریم و احساس می‌کنیم اینجا یا باید شرافت، عزت، سیادت و آقایی خودمان را حفظ کنیم ولی با فقر بسازیم، نان بخوریم ولی نان خشک و خالی، لباس بپوشیم لباس ژنده، خانه داشته‌باشیم خانه تنگ و کوچک و محقر، پول نداشته و در مضیقه باشیم؛ یا از عزت و آقایی و سیادت خودمان صرف نظر کنیم، تن به یک ذلت بدهیم، تن به خدمت بدهیم، آن وقت تمام نعمت‌های مادی برای ما فراهم می‌شود. می‌بینیم بسیاری از افراد اساسا حاضر نیستند تن به ذلت بدهند. ...

سعدی در گلستان می‌گوید: دو برادر بودند، یکی توانگر و دیگری درویش. توانگر- به قول او- در خدمت دیوان بود، خدمتگزار بود، ولی آن درویش یک آدم کارگر بود و به تعبیر سعدی از زور بازوی خودش نان می‌خورد. می‌گوید برادر توانگر یک روز به برادر درویش گفت: برادر! تو چرا خدمت نمی‌کنی تا از این مشقت برهی؟ تو هم بیا مثل من در خدمت دیوان تا از این رنج و زحمت و مشقت، از این کارگری، از این هیزم‌شکنی، از این کارهای بسیار سخت رهایی یابی. برادر درویش جواب داد: تو چرا کار نمی‌کنی تا از ذلت خدمت برهی؟ تو به من می‌گویی تو چرا خدمت نمی‌کنی تا از این رنج و مشقت کار برهی، من به تو می‌گویم تو چرا کار نمی‌کنی، متحمل رنج و مشقت نمی‌شوی تا از ذلت خدمت برهی؟ او خدمت را با آن همه مال و ثروت و توانایی که دارد ذلت تشخیص می‌دهد. بعد می‌گوید: خردمندان گفته‌اند که نان خود خوردن و نشستن به که کمر زرین بستن و در خدمت دیگری ایستادن:

به دست آهن تفته کردن خمیر/به از دست بر سینه پیش امیر

در این زمینه خودتان ممکن است مطالب زیادی بدانید. من می‌خواهم شما این را از جنبه روان‌شناسی تحلیل کنید. این چه حسی است در بشر که رنج و زحمت، مشقت، کارکردن، هیزم‌شکنی، فقر و مسکنت و همه اینها را ترجیح می‌دهد بر این‌که دست به سینه پیش کسی مانند خود بایستد؟ اسم این را هم اسارت می‌گذارد و می‌گوید من حاضر نیستم برده دیگری بشوم؛ درصورتی که این، بردگی مادی نیست یعنی واقعا نیروی او استخدام نمی‌شود؛ فقط روحش استخدام می‌شود، بدنش که استخدام نمی‌شود. این یک نوع بردگی است؛ راست هم هست، بردگی است اما بردگی‌ای که تن انسان برده نشده لکن روح انسان واقعا برده شده‌است.

برگرفته از کتاب آزادی‌های معنوی/استاد شهید مرتضی مطهری

درنگ

حسین جان ماندگانت را دریاب

مختار ایوبی
نویسنده

امام حسین از خودشناسی به خداشناسی رسید. ضمن این‌که از صلاله پاک‌ترین‌های دوعالم بود؛ پدرش ابوتراب و مادرش صاحب کوثر و جدش امین مدینه. در دعای عرفه خود چه زیبا کلمات را در کنار هم می چیند تا به خضوع مثال زدنی در برابر خالقش برسد[تو گویی خدای ناخواسته قصوری از او سر زده].

آنجا که اول دعا ستایش را مختص ذات او می‌داند و بعد از آن اوصاف زیبای خداوند، اشتیاق خود را چنان زیبا توصیف می‌کند که گویی مهرخداوندی چون شیر مادر لازمه ادامه حیات اوست.

چقدر ممنون است از خدای خود؛ از این‌که از ازل مقرر گشته این حسین مظلوم در عصرکافران پا به عرصه دنیا نگذارد.

او در بندی دیگر از این مناجات، ازبرخورداری ازهدایت ا... می‌گوید و با زبانی شیوا از این حیث از خالق خود سپاسگزاراست.

در قدم بعدی بزرگ شدن و رشد فیزیکی را چه عاشقانه وعالمانه بیان می‌کند و دوباره خود را درخور رحمت و مهربانی الهی می‌بیند.

این حسین که از ابتدا تا انتهای پیدایش و نمو و عروج خود به سوی حق را به بهترین وجه در قالب نیایشی دلنشین و رسا در صحرای داغ و تفتیده منحصر و بی‌تکرار بیان فرموده، شایسته است که نه با پای تن که با پای سر ودل برای رسیدن به تربت پاکش قدم گذاشت و با رسیدن به آن مضجع نورانی، خاکش را سرمه چشمانت کنی.

قدم بگذاری بر خاکی که زمانی این عارف با ا... و این اسطوره بندگی خالص برآن پاگذاشته و بوسه ارادت بزنی بر آن تربت پاک که دارالشفای آزادگان عالم است.

این حسین خیلی مظلوم است و چله شهادتش باید این‌گونه با شور وشعور برگزار شود تا مظلوم نماند و به بهترین وجه زنده نگه داشته شود.

حسین جان آنها که لایق آمدن با پای تن به سوی تو هستند، حتما قدمی از من جلوترند. ولی من هم به بضاعت خودم این لشکر عشاق تو را رها نکرده‌ام و با پای دل به سوی تو رهسپارم و سیه می‌پوشم واشک ماتم می‌ریزم.

حسین جان در باره تو نوشتن قلمی می خواهد در خور شأن و منزلت تو که من ندارم. ما جاماندگان از زیارتت را دریاب...